



## **The impact of parliamentary diplomacy on strengthening the axis of resistance**

Mahdi Heydarian<sup>1</sup>  
Alireza Mehrabi<sup>2</sup>

### **Abstract**

In the current international system, the axis of resistance, as an influential transnational actor, plays a significant role in the geopolitical equations of West Asia. However, strengthening the internal coherence and increasing the international legitimacy of this axis has always faced challenges. Focusing on the role of legislative institutions, this article examines the main question of what effect has parliamentary diplomacy had on strengthening the various dimensions of the axis of resistance?

The aim of this research is to explain the mechanisms and strategies that, through parliamentary diplomacy, including interactions between parliaments, the formation of parliamentary friendship groups, holding joint meetings, and the adoption of aligned resolutions, can lead to strengthening political solidarity, security-military coordination, and media legitimacy of the axis of resistance.

This research concludes that the parliaments of the member states of the axis of resistance, by taking advantage of common ideological platforms and strategic interests, have been able to act as a bridge between executive decisions and the social context and provide the necessary political and popular support for the continuation and strengthening of this axis in times of crisis and sanctions. Therefore, parliamentary diplomacy is not only a complement to official diplomacy, but also a vital and strategic factor in consolidating the foundations of the resistance axis and confronting the challenges ahead.

**Keywords: Parliamentary diplomacy, regional coalitions, axis of resistance, international relations**

---

<sup>1</sup> Master of Political Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

[mahdi80hidarian@gmail.com](mailto:mahdi80hidarian@gmail.com)

<sup>2</sup> Professor of Political Geography, Shahid Beheshti University

[a\\_mehrabi@sbu.ac.ir](mailto:a_mehrabi@sbu.ac.ir)



## تأثیر دیپلماسی پارلمانی بر تقویت محور مقاومت

مهدی حیدریان<sup>۱</sup> - علیرضا محرابی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

### چکیده

در نظام بین الملل کنونی، محور مقاومت به عنوان یک بازیگر فراملی تاثیرگذار، نقش بسزایی در معادلات ژئوپلیتیک غرب آسیا ایفا می‌کند. با این حال، تقویت انسجام درونی و افزایش مشروعیت بین المللی این محور، همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است. این مقاله با تمرکز بر نقش نهادهای قانونگذاری، به بررسی این پرسش اصلی می‌پردازد که دیپلماسی پارلمانی چه تاثیری بر تقویت ابعاد مختلف محور مقاومت داشته است؟

هدف این پژوهش، تبیین مکانیسم‌ها و راهبردهایی است که از طریق دیپلماسی پارلمانی شامل تعاملات بین المجالس، تشکیل گروه‌های دوستی پارلمانی، برگزاری نشست‌های مشترک و تصویب قطعنامه‌های همسو، می‌تواند به تقویت همبستگی سیاسی، هماهنگی امنیتی - نظامی و مشروعیت سازی رسانه‌ای محور مقاومت بینجامد. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که مجالس کشورهای عضو محور مقاومت، با بهره‌گیری از بسترهای مشترک ایدئولوژیک و منافع راهبردی، توانسته‌اند به عنوان پلی میان تصمیمات اجرایی و بستر اجتماعی عمل کرده و در شرایط بحران و تحریم، پشتیبانی سیاسی و مردمی ضروری را برای تداوم و تقویت این محور فراهم آورند. بنابراین، دیپلماسی پارلمانی نه تنها یک مکمل برای دیپلماسی رسمی، بلکه عاملی حیاتی و راهبردی در تحکیم پایه‌های محور مقاومت و مقابله با چالش‌های پیش رو محسوب می‌شود. واژگان کلیدی: دیپلماسی پارلمانی، ائتلاف‌های منطقه‌ای، محور مقاومت، روابط بین الملل

۱. کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

[mahdi80hidarian@gmail.com](mailto:mahdi80hidarian@gmail.com)

آستاد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

## مقدمه

در عصر حاضر، صحنه روابط بین الملل شاهد تحولات شگرفی بوده است، به طوریکه بازیگران غیر دولتی و نهادهای فراملی نقش پر رنگ‌تری در شکل دهی به دینامیک‌های قدرت و ائتلاف سازی ایفا می‌کنند. در این میان، پارلمان‌ها به عنوان نهادهای نمایندگی مردم، دیگر صرفاً مرجعی برای تصویب قوانین داخلی نیستند، بلکه با خیز برداشتن در عرصه بین الملل، به بازیگری مؤثر در قالب دیپلماسی پارلمانی تبدیل شده‌اند. دیپلماسی پارلمانی را می‌توان مجموعه اقدامات و تعاملات نمایندگان مجالس قانونگذاری با هم‌تایان خارجی خود به منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی، توسعه روابط دوجانبه و تأثیر گذاری بر روندهای منطقه‌ای و بین المللی تعریف کرد. از سوی دیگر، در بستر پرتیاب ژئوپلیتیک غرب آسیا، محور مقاومت به عنوان یک ائتلاف راهبردی و ایدئولوژیکی شکل گرفته است که هسته مرکزی آن را جمهوری اسلامی ایران و شبکه‌ای از دولت‌ها و گروه‌های همسو تشکیل می‌دهند. این محور با شالوده سازی گفتمان مقاومت در برابر هژمونی و اشغالگری، به یکی از بازیگران تعیین کننده در معادلات منطقه تبدیل شده است. با این وجود پایداری و توانایی این ائتلاف در مواجهه با چالش‌هایی چون فشارهای بین المللی، جنگ‌های نیابتی و تحریم‌های همه جانبه، همواره مورد پرسش بوده است. در این راستا، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که دیپلماسی پارلمانی چه نقش و تأثیری در تقویت ساختار، انسجام و کارآمدی محور مقاومت داشته است؟ اگر چه ادبیات گسترده‌ای در مورد محور مقاومت و ابعاد امنیتی نظامی آن وجود دارد. اما شکاف پژوهشی آشکاری در بررسی نقش نهادهای پارلمانی و دیپلماسی غیر رسمی در تحکیم این ائتلاف به چشم می‌خورد. اکثر پژوهش‌ها بر دیپلماسی رسمی دولت‌ها یا بعد سخت افزاری مقاومت متمرکز شده‌اند و نقش مکمل و راهبردی مجالس را نادیده گرفته‌اند. لذا، این مقاله در پی پر کردن این خلاء پژوهشی است و با تمرکز بر مکانیسم‌های تأثیرگذاری دیپلماسی پارلمانی، به واکاوی این مسئله می‌پردازد که چگونه مجالس کشورهای عضو محور مقاومت، از طریق ابزارهای قانونی، ارتباطی و هنجاری خود، به تقویت پایه‌های این اتحادیه راهبردی یاری رسانده‌اند. ضرورت انجام این

تحقیق، نه تنها در تبیین یک بعد مغفول از قدرت نرم محور مقاومت نهفته است، بلکه می‌تواند چشم‌اندازی کاربردی در اختیار سیاست‌گذاران و دیپلمات‌های پارلمانی برای بهینه‌سازی تعاملات آتی قرار دهد (کوهن، رابرات، ۱۴۰۰، ص ۲۱۸).

اگر چه ثبات و استمرار محور مقاومت در سال‌های اخیر، موضوع کانونی بسیاری از تحلیل‌های سیاسی بوده، اما اکثر این تحلیل‌ها بر ابعاد سخت‌افزاری و نظامی این ائتلاف مانند توان موشکی یا حضور میدانی و یا دیپلماسی رسمی و سطح بالای دولتی متمرکز شده‌اند. این در حالی است که به نظر می‌رسد یکی از ارکان‌های مهم و در عین حال مغفول در تبیین تاب‌آوری و انسجام درونی محور مقاومت نقش دیپلماسی پارلمانی است (رومی، فرشاد و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۵۳۵).

این پژوهش بر این اصل استوار است که دیپلماسی پارلمانی، به عنوان یک جریان موازی در کنار دیپلماسی رسمی، می‌تواند از طریق مکانیسم‌های منحصر به فرد خود، شکاف‌های ارتباطی را پر کند، در سطوح مردمی و نخبگی نفوذ نماید، پشتوانه قانونی و مشروعیت بخشی داخلی و بین‌المللی ایجاد کند و در نهایت، پیوندهای راهبردی بین اعضای محور مقاومت را مستحکم نماید. بنابراین، مسئله این پژوهش تنها توصیف فعالیت پارلمانی نیست، بلکه واکاوی این پرسش اساسی است که دیپلماسی پارلمانی از چه مجراها و مکانیسم‌هایی برای تقویت ساختار، انسجام و کارآمدی محور مقاومت در مواجهه با چالش‌های چندجانبه بهره برده است؟

شناسایی و تبیین این مکانیسم‌ها که می‌تواند شامل ظرفیت‌سازی قانونی، ایجاد کانال‌های ارتباطی انعطاف‌پذیر، مشروعیت‌بانی بین‌المللی و هماهنگی در مواضع سیاسی باشد به درک جامع‌تری از قدرت نرم و تاب‌آوری دیپلماتیک محور مقاومت کمک‌شایانی خواهد کرد. پر کردن این خلأ پژوهشی نه تنها از نظر علمی حائز اهمیت است، بلکه می‌تواند نقشه راه عملیاتی برای سیاست‌گذاران و دیپلمات‌های پارلمانی در جهت تحکیم هر چه بیشتر این ائتلاف راهبردی فراهم آورد (فیروزآبادی، جلال، ۱۴۰۴، ص ۲۰۰).

## روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، یک تحقیق توسعه‌ای- کاربردی محسوب می‌شود چرا که در پی کشف مکانیسم‌های نوین تاثیرگذاری دیپلماسی پارلمانی برای تقویت یک ائتلاف راهبردی موجود محور مقاومت است و نتایج آن می‌تواند کاربرد عملی برای سیاستگذاران داشته باشد. از لحاظ ماهیت و روش، این تحقیق در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد که با اتخاذ رهیافتی توصیفی- تحلیلی به تبیین مسئله می‌پردازد. گردآوری داده‌ها در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع زیر انجام شده است: شامل مصوبات، بیانیه‌ها و گزارش‌های رسمی مجالس کشورهای عضو محور مقاومت، صورت جلسه‌های کمیسیون‌های امنیت ملی و سیاست خارجی و نطق‌های نمایندگان در مورد مسائل مرتبط با محور مقاومت می‌باشند. همچنین از منابع ثانویه شامل کتب، مقالات علمی- پژوهشی معتبر فارسی و انگلیسی، گزارش‌های تحلیلی مراکز مطالعاتی معتبر و مطبوعات هم استفاده شده است. این مقاله در قالب یک مدل تحلیلی تلفیقی استدلال می‌کند که دیپلماسی پارلمانی از سه مجرای به هم پیوسته، هویت سازی سازه انگارانه، نهاد سازی رئالیستی و مشروعیت زایی مبتنی بر قدرت نرم به تقویت ساختاری و کارکردی محور مقاومت می‌پردازد.

## مبانی نظری

برای تبیین ارتباط بین دیپلماسی پارلمانی به عنوان متغیر مستقل و تقویت محور مقاومت به عنوان متغیر وابسته، این تحقیق از یک چارچوب نظری تلفیقی بهره می‌برد که بر سه رکن اصلی استوار است:

۱) نظریه سازه انگاری: این نظریه که توسط اندیشمندانی مانند الکساندر ونت بسط یافته، بر نقش ایده‌ها، هنجارها و هویت جمعی در شکل دهی به کنش بازیگران بین المللی تاکید دارد.

محور مقاومت در درجه اول یک هویت سیاسی - ایدئولوژیک مشترک است که حول مفاهیمی چون استکبارستیزی، مقاومت در برابر اشغالگری و دفاع از حق تعیین سرنوشت ملت‌ها شکل گرفته است. دیپلماسی پارلمانی در این چارچوب، یک ابزار کلیدی برای بازتولید و تقویت این هویت مشترک است. مجالس از طریق تصویب قوانین هماهنگ، صدور بیانیه‌های مشترک و برگزاری نشست‌های متعدد، به ترویج و نهادینه کردن هنجار مقاومت می‌پردازند. این اقدامات به ایجاد یک جامعه امنیتی در مقیاس کوچک در بین اعضای محور کمک می‌کند که در آن منافع ملی حول محور این هویت مشترک بازتعریف می‌شوند. دیدارهای پارلمانی و نشست‌های مشترک، صرفاً یک رویداد سیاسی نیست، بلکه نمایشی نمادین از همبستگی و وجود یک جمعی در مقابل بلوک غرب - صهیونیسم است که به تقویت انسجام درونی می‌انجامد (عباسی اشقلی، مجید و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۸۰).

۲) رئالیسم نهادی: این دیدگاه که تلفیقی از رئالیسم و نهاد گرایی است، استدلال می‌کند که نهادها و رژیم‌های بین‌المللی ابزاری در خدمت افزایش قدرت و تأمین منافع ملی بازیگران در یک محیط آنارشیک هستند.

در این چارچوب، تعاملات پارلمانی بین کشورهای محور مقاومت، یک نهادینه سازی کارکردی برای مقابله با تهدیدات مشترک محسوب می‌شود. دیپلماسی پارلمانی یک کانال کم هزینه و انعطاف پذیر برای هماهنگی مواضع، تبادل اطلاعات و ایجاد اعتماد در شرایطی که دیپلماسی رسمی ممکن است با موانع سیاسی روبرو شود فراهم می‌کند. هماهنگی مجالس در مجامع بین‌المللی مانند اتحادیه بین‌المجالس یا سازمان ملل، قدرت چانه زنی جمعی محور مقاومت را در مقابل فشارهای بین‌المللی افزایش می‌دهد. نهادینه شدن روابط از طریق کمیسیون‌های دوستی پارلمانی و تفاهم‌نامه‌های همکاری،

پیوندهای راهبردی بین اعضا را قابل پیش بینی تر و بادوام تر می‌سازد (مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۰).

۳) نظریه قدرت نرم: جوزف نای قدرت نرم را توانایی جذب و متقاعد کردن دیگران بدون استفاده از زور یا پول تعریف می‌کند. این قدرت از طریق جذابیت فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ایجاد می‌شود.

دیپلماسی پارلمانی به عنوان یک ابزار مردمی و غیر حکومتی وسیله‌ای ایده آل برای تولید قدرت نرم جمعی محور مقاومت است. مجالس با استفاده از تریبون خود، می‌توانند روایت مستقل و مثبتی از اهداف و اقدامات محور مقاومت ارائه دهند و آن را به عنوان یک جنبش آزادی بخش مشروع در افکار عمومی جهان معرفی کنند. این دیپلماسی باعث ایجاد شبکه‌هایی از قانونگذاران، کارشناسان و روشنفکران همسو در کشورهای مختلف می‌شود که در بلند مدت به تقویت نفوذ فکری و ایتولوژیک محور می‌انجامد (قوام، سیدعبدالعلی، ۱۳۸۴، ص. ۶۰-۸۰).

۴) شبکه سازی کارکردی: این نظریه که ریشه در جامعه شناسی و علوم سیاسی دارد، بر تحلیل ساختار روابط بین بازیگران از طریق پیوندهایشان تمرکز دارد. قدرت در این مدل، نه تنها از منابع مادی، بلکه از موقعیت در شبکه ناشی می‌شود.

محور مقاومت یک شبکه ائتلافی است، نه تنها یک نهاد سلسله مراتبی. دیدارها و کمیسیون‌های دوستی پارلمانی، گره‌ها و پیوندهای جدیدی در این شبکه ایجاد می‌کنند که باعث افزایش تراکم و انعطاف پذیری شبکه می‌شود. یک شبکه متراکم و چند مرکز، در برابر فشار بر یک گره مثلاً تحریم یک کشور مقاوم تر است. دیپلماسی پارلمانی با ایجاد کانال‌های ارتباطی متعدد، این تاب آوری شبکه‌ای را تقویت می‌کند.

این شبکه پارلمانی، به عنوان یک کانال مطمئن برای تبادل اطلاعات، تحلیل‌ها و استراتژی‌ها بین اعضا عمل می‌کند.

۵) دیپلماسی عمومی نوین: دیپلماسی عمومی نوین، بر تعامل مستقیم با شهروندان و جوامع مدنی دیگر کشورها و ایجاد رابطه بلند مدت تاکید دارد. در این مدل، دولت تنها بازیگر نیست و نهادهای پارلمانی، سازمان‌های غیر دولتی و نخبگان فکری نقش کلیدی ایفا می‌کنند (افتخاری، اصغر، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۵۰).

مجالس کشورهای محور مقاومت، به عنوان بازیگران دیپلماسی عمومی نوین عمل می‌کنند. آن‌ها مستقیماً با مردم منطقه از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی سخن می‌گویند تا حمایت از گفتمان مقاومت را در سطح خرد تقویت کنند. این نهادها با میزبانی از فعالان مدنی، رهبران مذهبی و روشنفکران کشورهای دیگر، به ایجاد یک جامعه مدنی مقاومت در سطح منطقه کمک می‌کنند

۶) رژیم سازی هنجاری: طبق تعریف کراسنر، رژیم‌های بین المللی، مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری هستند که انتظارات بازیگران در یک حوزه خاص از روابط بین الملل را حول آنها شکل می‌دهند و

فعالیت‌های هماهنگ مجالس محور مقاومت، در حال ایجاد یک رژیم مقاومت است. آن‌ها از طریق مصوبات مشترک، در حال تدوین و تعمیق هنجارهایی مانند مقاومت مشروع در برابر اشغال، مبارزه با تروریسم تکفیری و لزوم مقابله با تحریم‌های یکجانبه هستند. هنگامی که این هنجارها در قوانین داخلی کشورها تبلور می‌شوند، سطح تعهد دولت‌ها به محور مقاومت را افزایش می‌دهند و خروج از آن را پرهزینه‌تر می‌سازند (قوام، سید عبدالعلی، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۰-۱۰۰).

## تجزیه و تحلیل

دیپلماسی پارلمانی به عنوان یک کارگزار هویت ساز، به طور فعالانه در ساخت و تقویت هویت جمعی مقاومت نقش دارد. این امر از طریق گفت‌وگوهای مستمر محقق می‌شود. تصویب قطعنامه‌های هماهنگ در محکومیت اقدامات رژیم صهیونیستی یا تروریسم تکفیری در مجالس ایران، عراق، لبنان و یمن تنها یک اقدام سیاسی نیست، بلکه یک کنش گفت‌وگومانی است که مرزهای خودی و غیر خودی را به وضوح ترسیم می‌کند. به عنوان مثال قطعنامه مشترک مجلس ایران و عراق در محکومیت ترور شهید حاج قاسم سلیمانی، نه تنها یک محکومیت دیپلماتیک، بلکه بیانیه‌ای برای تاکید بر هویت مشترک امت استکبار ستیز بود. خطابه‌های نمایندگان در روز قدس یا سالگرد شهدای مقاومت، به تکرار و تعمیق نمادها، اسطوره‌ها و دشمن مشترک می‌پردازد و بدین ترتیب، هنجار مقاومت را در فضای عمومی درونی سازی می‌کند (مهری جو، وجهه و دیگران، ۱۳۸۸).

از منظر رئالیسم نهادی، دیپلماسی پارلمانی، همکاری‌های راهبردی محور مقاومت را از حالت انتزاعی خارج کرده و در قالب نهادهای ملموس و پایدار جای می‌دهد. ایجاد کمیسیون‌های دوستی دائمی یک ساختار نهادی برای مدیریت روابط فراهم می‌آورد. این نهادها با عادی سازی و مستمر سازی ارتباطات، هزینه‌های مذاکره را برای دولت‌ها به شدت کاهش می‌دهند. این کمیسیون‌ها در بحران‌هایی مانند جنگ با داعش، کانالی حیاتی برای هماهنگی سریع و مؤثر بودند. هماهنگی نمایندگان مجالس محور مقاومت در مجامعی مانند اتحادیه بین‌المجالس، نماد بارز کارکردگرایی جمعی است. آن‌ها با ارائه مواضع یکپارچه، قدرت چانه زنی بلوک مقابل غرب - صهیونیسم را خنثی و در عین حال، هزینه‌های دیپلماتیک اقدامات یکجانبه را برای یکدیگر کاهش می‌دهند (قوام، عبدالعلی، ۱۳۹۷).

با ترکیب نظریه قدرت نرم و نظریه شبکه، در می‌یابیم که دیپلماسی پارلمانی، یک شبکه قدرت نرم ایجاد می‌کند. دعوت از شخصیت‌های برجسته پارلمانی و فرهنگی کشورهای دوست برای حضور در مجلس مانند میزبانی از رئیس مجلس لبنان و عراق در تهران، نه یک دیدار تشریفاتی، بلکه اقدامی برای جذب و متقاعد کردن نخبگان آن کشورها و تقویت نفوذ

نرم ایران و محور مقاومت است. نمایندگان محور مقاومت از طریق حساب‌های کاربری فعال در شبکه‌های اجتماعی، به ویژه یک شبکه رسانه‌ای یکپارچه تبدیل شده‌اند که روایت واحد و قدرتمندی در برابر پروپاگانداهای دشمن تولید و منتشر می‌کنند. این امر، قدرت نرم محور مقاومت را در فضای بین‌المللی تقویت می‌کند.

فعالیت‌های پارلمانی در حال ایجاد یک رژیم هنجاری غیر رسمی برای محور مقاومت است. مجلس شورای اسلامی ایران با تصویب قوانینی مانند سیاست‌های کلی تقویت و توسعه همکاری با کشورهای لبنان، عراق، در حال تعریف چارچوب‌های هنجاری برای کل محور است. این قوانین، خط منشی کلی را تعیین کرده و به اقدامات دولت‌ها مشروعیت و استمرار می‌بخشد. این فرایند، مشابه فرایند شکل دهی رژیم است. هنگامی که کشوری مانند عراق، در مجلس خود قطعنامه‌ای برای خروج نیروهای خارجی تصویب می‌کند، این اقدام در چارچوب محور مقاومت، یک تعهد هنجاری برای سایر اعضا ایجاد می‌کند تا از این موضع حمایت کنند. عراق امروز به یکی از حساس‌ترین عرصه‌های رقابت در محور مقاومت تبدیل شده است. مجلس این کشور دیگر یک نهاد منفعل نیست، بلکه به یک صحنه تعیین‌کننده برای تثبیت یا تضعیف نفوذ محور تبدیل شده است. تصویب قطعنامه‌ای در سال ۲۰۲۰ توسط مجلس عراق برای خروج نیروهای آمریکایی، نمونه‌ای بارز از توانایی تبدیل‌گفتمان مقاومت به الزام قانونی است. این اقدام، که با فشار جناح نزدیک به محور مقاومت صورت گرفت، دستاوردی بزرگ برای این محور در تقابل مستقیم با آمریکا بود و موضع آن را در منطقه تقویت کرد. از سویی دیگر، مجلس عراق با میزبانی از گفتگوهای ایران و عربستان نشان داد که می‌تواند به عنوان پلتفرمی برای کاهش تنش و حتی پیشبرد دیپلماسی کلان‌تر محور مقاومت عمل کند. این نقش، پیچیدگی و بلوغ روزافزون دیپلماسی پارلمانی در عراق را نشان می‌دهد (هفته‌نامه عرب، ۱۴۰۲).

مجلس ایران به عنوان کانون اصلی و پیشران دیپلماسی پارلمانی محور مقاومت عمل می‌کند. تصویب لوایح مهمی مانند الحاق ایران به پیمان شانگهای یا سیاست‌های کلی همکاری با عراق و لبنان نشان‌دهنده نقش راهبردی مجلس در تعیین چارچوب‌های بلند مدت برای

تعاملات محور مقاومت است. این اقدامات، دیپلماسی دولت را در مسیر مشخصی هدایت و تقویت می‌کند. مجلس ایران همواره با صدور بیانیه‌ها و تشکیل جلسات فوری در پاسخ به رویدادهای مهم مانند ترور حاج قاسم سلیمانی یا عملیات‌های فلسطینی، سریع‌ترین و صریح‌ترین موضع محور مقاومت را اعلام می‌کند و نقش تنظیم‌کننده ضربان‌گفتمان مقاومت را ایفا می‌نماید (منصوریان، ناصرعلی، و دیگران، ۱۳۹۹).

مجلس لبنان به طور کامل بازتاب‌دهنده بحران‌های عمیق داخلی این کشور است، اما حتی در این شرایط نیز نقش خود را در محور مقاومت ایفا می‌کند. اگرچه مجلس لبنان به دلیل بن‌بست‌های سیاسی اغلب فلج می‌شود، اما حضور قدرتمند جناح مقاومت به رهبری حزب الله در آن، تضمین می‌کند که صدای مقاومت در یک نهاد قانون‌گذاری رسمی طنین‌انداز شود. این حضور به اقدامات حزب الله در خارج از مجلس، پوشش قانونی و مشروعیت داخلی تبیین می‌بخشد. تحریم‌های آمریکا علیه نمایندگان حزب الله در مجلس، خود گواهی بر این است که طرف مقابل، این نهاد را یک کانال مؤثر و قدرت‌مندی می‌داند و سعی در بستن آن دارد.

ماهیت شبکه‌ای تعاملات پارلمانی، محور مقاومت را در برابر فشارها و شوک‌های خارجی بسیار تاب‌آورتر کرده است. در اوج تحریم‌ها و انزواوی بین‌المللی سوریه، کانال ارتباطی پارلمانی بین تهران و دمشق به طور کامل باز و فعال بود، این امر نشان می‌دهد که حتی زمانی که کانال‌های دیپلماتیک رسمی تحت فشار هستند، شبکه ارتباطات پارلمانی می‌تواند به عنوان یک شبیه‌پشتیبان عمل کند. در شبکه محور مقاومت، ایران یک گروه مرکزی است، اما مجالس دیگر مانند عراق و لبنان نیز گروه‌های قدرتمندی هستند. این توزیع قدرت نمادین باعث می‌شود حمله یا فشار به یک گروه مثلاً ایران کل شبکه را از کار نیندازد. چرا که گروه‌های دیگر می‌توانند نقش واسطه یا پیشران را ایفا کنند. همچنین اوضاع کنونی نشان می‌دهد که دیپلماسی پارلمانی محور مقاومت، یک پدیده یک‌سویه و از بالا به پایین نیست، بلکه یک شبکه پویا و چندمرکزی است. در این شبکه عراق با بازی پیچیده بین گروه‌های مختلف، نقش یک کاتالیزور و میدان را دارد. لبنان با وجود بحران، به عنوان پایگاه مشروعیت

بخش قانونی به مقاومت عمل می‌کند. یمن بر بازسازی حاکمیت و شکستن انزوا متمرکز است. ایران نقش ستاد فرماندهی راهبردی و هویت ساز را ایفا می‌کند.

### جدول (۱) گاه شمار رویدادهای شاخص دیپلماسی پارلمانی در تقویت محور مقاومت

تاریخ	رویداد	کشورهای مرتبط	نتایج و پیامدهای کلیدی
۱۳۹۸	تصویب قطعنامه اخراج نیروهای آمریکایی در مجلس عراق	عراق	تبدیل گفتمان مقاومت به قانون داخلی و اعمال فشار مستقیم به آمریکا
۱۴۰۰	نشست روسای امنیت ملی ایران و عراق	ایران، عراق	هماهنگی عملیاتی در مبارزه با تروریسم و امنیت مرزها
۱۴۰۱	صدور بیانیه مشترک پارلمانی محکومیت رژیم صهیونیستی	ایران، عراق، لبنان	همسان سازی گفتمان و ایجاد جبهه متحد رسانه‌ای
۱۴۰۲	میزبانی مجلس عراق از نمایندگان ایران و عربستان	ایران، عراق، عربستان	نمایش نقش آفرینی پارلمانی در دیپلماسی پارلمانی در دیپلماسی کلان منطقه‌ای
۱۴۰۳	صدور بیانیه مشترک پارلمانی برای عملیات طوفان الاقصی	ایران، عراق، لبنان	حمایت از ملت مظلوم فلسطین و محور مقاومت

منبع: نگارندگان

## نتیجه گیری

این پژوهش با هدف واکاوی نقش و مکانیسم‌های تاثیرگذاری دیپلماسی پارلمانی بر تقویت محور مقاومت انجام شد. یافته‌های تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که دیپلماسی پارلمانی، فراتر از یک یک فعالیت تشریفاتی، به یک ابزار راهبردی چند وجهی و کارآمد در خدمت تحکیم، تاب آوری و توسعه این ائتلاف تبدیل شده است.

این پژوهش از طریق ارائه یک چارچوب نظری تلفیقی اثبات کرد که دیپلماسی پارلمانی به صورت همزمان از چندین مجرای نظری به تقویت محور مقاومت می‌پردازد: از منظر سازه انگاری، این دیپلماسی با بازتولید گفتمان مقاومت و تقویت هویت جمعی استکبار ستیز، به روح محور مقاومت جان می‌بخشد. از منظر رئالیسم نهادی، با ایجاد نهادهای پایدارمانند کمیسیون‌های دوستی و تسهیل هماهنگی، کالبد عملیاتی و کارآمدی را برای آن می‌سازد. از منظر قدرت نرم و نظریه شبکه، با مشروعیت بخشی، روایت سازی و ایجاد یک شبکه به هم پیوسته از مجالس، چهره و اسکلت بندی محور مقاومت را در صحنه منطقه‌ای تقویت می‌کند.

در سطح عملیاتی، این پژوهش به شناسایی مکانیسم‌های کلیدی موثر می‌پردازد: مجالس کشورهای عضو، به ویژه مجلس ایران، با ظرفیت سازی قانونی، چارچوبی باثبات برای همکاری‌های بلند مدت ایجاد کرده‌اند. این نهادها با ایفای نقش کانال‌های ارتباطی انعطاف پذیر و مقاوم، امکان تداوم گفت و گو و هماهنگی راحتی در اوج بحران‌ها و تحریم‌ها فراهم ساخته‌اند. دیپلماسی پارلمانی با هماهنگی در مجامع بین المللی، قدرت چانه زنی جمعی محور مقاومت را افزایش داده و به موازات آن، با هدف گیری افکار عمومی، پایه‌های مردمی این ائتلاف را نیز تقویت کرده است.

در مجموع، می‌توان ادعا کرد که تداوم، انسجام و کارآمدی نسبی محور مقاومت در برابر فشارهای بی‌سابقه را نمی‌توان بدون توجه به نقش مکمل و گاه پیشران نهادهای پارلمانی آن به طور کامل تبیین کرد. دیپلماسی پارلمانی با تبدیل محور مقاومت از یک ائتلاف صرفاً امنیتی - نظامی به یک جامعه امنیتی در حال تکوین با پیوندهای نهادی، هویتی و مردمی عمیق‌تر، سهم تعیین‌کننده‌ای در ارتقای تاب‌آوری راهبردی آن داشته است.

پژوهش‌های آینده می‌توانند به صورت تطبیقی، نقش دیپلماسی پارلمانی در محور مقاومت را با نقش مشابه در ائتلاف‌های رقیب مانند ناتو یا شورای همکاری خلیج فارس مقایسه کنند. مطالعه موردی دقیق‌تر درباره نقش اختصاصی مجالس غیر غربی مانند ایران در رهبری گفتمانی این شبکه پارلمانی می‌تواند ابعاد جدیدی را آشکار کند. بررسی تاثیرات تغییرات دولت‌ها و انتخابات پارلمانی در کشورهای عضو بر پویایی و جهت‌گیری دیپلماسی پارلمانی محور مقاومت، می‌تواند موضوع پژوهشی ارزشمندی باشد. حتی می‌توان پیشنهادات آینده‌نگرانه‌ای با موضوع دیپلماسی پارلمانی در افق ۱۴۱۰ با بررسی سناریوهایی برای ظهور نسل جدید نمایندگان پارلمانی، تغییرات ژئوپلیتیک منطقه و پیامدهای آن و تأثیر تحولات تکنولوژیک بر دیپلماسی پارلمانی مورد بررسی قرار بگیرد.

در خاتمه، دیپلماسی پارلمانی مه‌تنها یک نیمرخ پنهان قدرت محور مقاومت است، بلکه با نهادینه کردن همکاری‌ها و تعمیق هویت مشترک، آینده این ائتلاف را در نقشه ژئوپلیتیک پرفراز و نشیب غرب آسیا تضمین می‌کند.

## منابع

- (۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸
- (۲) کوهن، رابرت، (۱۴۰۰)، از وابستگی متقابل تا حکمرانی جهانی، بنیاد همکاری در بنیاد سیاستی، مترجم: بزرگی، وحید، ناشر قومس، ص. ۲۱۸-۲۱۹
- (۳) حاجی مینه، رحمت؛ عابدی، محمد (۱۳۹۸)، پارلمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۲(۲)، ص. ۱۲۳-۱۴۵
- (۴) حسینی، سیدحسین (۱۳۹۲)، دیپلماسی پارلمانی و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات دومین همایش نقش پژوهش در فرایند قانونگذاری، ص. ۱۶۷-۱۹۳
- (۵) دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال؛ دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۹۵)، کاستی‌ها و راهکارهای توانمند سازی دیپلماسی پارلمانی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۳(۸۸)، ص. ۴۰۸-۴۳۶
- (۶) حسینی، سیدحسین (۱۴۰۱)، دیپلماسی پارلمانی: گروه‌های دوستی و دیپلماسی پارلمانی متمرکز، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- (۷) منصوریان، ناصرعلی؛ اکبری تالارپشتی، عزت‌الله (۱۳۹۹)، جایگاه و اهمیت دیپلماسی عمومی پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۱۰(۱)، ص. ۲۱۳-۲۳۹
- (۸) سیف زاده، سیدحسین (۱۳۸۷)، نقش قوه مقننه در سیاست خارجی: تنوع رویکردها، فصلنامه سیاست، ۳۸(۲)، ص. ۱۴۱-۱۶۶
- (۹) طالبی، تقی (۱۳۸۷)، دیپلماسی پارلمانی و جایگاه آن در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی، مرکز بررسی پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

- ۱۰) وکیلان، حسن (۱۳۹۱)، گونه‌شناسی قدرت سیاست‌گذاری قوای تقنینی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، راهبرد، ۲۱(۶۳)، ص. ۲۷۱-۲۹۹
- ۱۱) مهری گو، وجهه؛ امیری، مهدی (۱۳۸۸)، دیپلماسی پارلمانی؛ محورها و رویکردها، دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- ۱۲) محمدیان، محمدحسین (۱۳۹۳)، نقش دیپلماسی پارلمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق
- ۱۳) سنایی، مهدی (۱۳۹۲)، دیپلماسی پارلمانی جمهوری اسلامی ایران (کاستی‌ها و راهکارها)، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۳۳۳۴
- ۱۴) کوهکن، علیرضا (۱۳۹۰)، جایگاه و اهمیت دیپلماسی پارلمانی در دستیابی به اهداف سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۲۱۱۱
- ۱۵) مقصودی، مجتبی؛ مرادی، سیدمهدی (۱۳۸۴)، گروه‌های دوستی پارلمانی و نقش آن در سیاست خارجی: مطالعه موردی ایران، فصلنامه مجلس و پژوهش، ۱۲(۴۸)، ص. ۱۳-۹۳
- ۱۶) عباسی اشلقی، مجید؛ فرخی، مرتضی (۱۳۸۸)، چارچوبی تحلیلی برای مفهوم امنیت از منظره سازه‌انگاری، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۲(۶)، ص. ۷۱-۹۵
- ۱۷) مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، انتشارات سمت، ص. ۲۵۰-۳۵۰
- ۱۸) وحیدی راد، میکائیل (۱۳۹۲)، نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر، خردنامه، ش ۱، ص. ۹۹-۱۱۲
- ۱۹) مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، انتشارات سمت، تهران

- ۲۰) هالیدی، فرد (۱۳۶۸)، مفاهیم گوناگون انترناسیونالیسم، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۲۳
- ۲۱) موسویان، سید حسن، بیدگلی، محمدرضا (۱۴۰۰)، ایران و ایالات متحده: نگاهی از درون گذشته‌ای شکست خورده و مسیری به سوی مصالحه، ناشر مهر و ماه، ص ۷۵-۷۶
- ۲۲) دلاورپوراقدم، مصطفی؛ معادی رودسری، محمدحسن (۱۳۹۴)، دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر دیپلماسی پارلمانی، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- ۲۳) رومی، فرشاد؛ کاظمی احسان و مطهری، زینت السادات (۱۴۰۱)، محور مقاومت و راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳ (۳۶)، ص ۵۲۱-۵۴۲
- ۲۴) نای، جوزف اس (۱۳۸۹)، قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، دانشگاه امام صادق، مترجم: ذوالفقاری، مهدی و روحانی، سید محسن، ص ۲۵-۲۸۸
- ۲۵) ژان میلس؛ افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین، کاربرد قدرت نرم در روابط بین الملل، دانشگاه امام صادق، ص ۳۰-۳۶۶
- ۲۶) قوام، عبدالعلی (۱۳۹۷)، روابط بین الملل: نظریه‌ها و رویکردها، ناشر سمت، ۳۰۰-۳۸۴
- ۲۷) المانیتور (۱۴۰۰)، پارلمان عراق به اخراج نیروهای عراقی رأی داد، <https://www.al-monitor.com>
- ۲۸) هفته نامه عرب (۱۴۰۲)، عراق به عنوان محل اصلی گفت و گوی عربستان و ایران ظهور می کند، <https://thearabweekly.com>
- ۲۹) عزتی، محسن و دیگران، (۱۴۰۳)، طوفان الاقصی و تاثیرات آن بر بحران امنیتی و سیاسی اسرائیل، نشریه سیاست پژوهی جهان اسلام، ۱۱، (۱)، ص ۶-۲۳

۳۰) خانی، محمدحسن، (۱۴۰۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تحولات

جدید در جبهه مقاومت، نشریه دانش سیاسی، ۱۹، (۲)، ص ۲۰-۳۵

۳۱) افتخاری، اصغر و سلیمانی، محمد مهدی، (۱۴۰۰)، تأثیرات سیاسی - امنیتی محور

مقاومت بر آسیب پذیری رژیم صهیونیستی، نشریه آفاق امنیت، ۱۴، (۵۳) ص ۵۵-

۶۰

۳۲) حاتمی، محمدرضا، و ثمری، محمدرضا، (۱۳۸۹)، مسائل خاورمیانه، انتشارات

دانشگاه پیام نور، ایران، تهران